

چرا مائور مشترک نظامی ایران، چین و روسیه ارزش راهبردی دارد؟

تقویت راهبرد گرایی



دلایل حضور چین در مانورهای نظامی ایران

ترجمه اختصاصی از نشریه آمریکایی دیپلمات - ۱۶ دسامبر ۲۰۱۹

پس از پایان جنگ سرد، توسعه نیروی دریایی قدرتمند در مواجهه با چالش‌های راهبردی جدید، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد. چین هم‌اکنون با بهره‌گیری از توانمندی‌های هسته‌ای، نخستین ناو هواپیمابر پیشرفته خود را در کنار سه‌نوع ناوایی-حاکم، ۲۵ ناوشکن، ۴۲ ناوچه و تقریباً ۲۰ زیردریایی فعال کرده که همه آنها تحت کنترل ۱۳۳ هزار نیرو قرار دارند. اما جسورانه‌ترین اقدام چین در زمینه گسترش نیروی دریایی، ایجاد اولین پایگاه خارج از این کشور در ساحل «جیبوتی» است. این کشور بر تنگه راهبردی «باب‌المندب» و خلیج «عدن» مشرف بوده و فاصله کمی تا تنگه هرمز دارد. این پایگاه به‌طور رسمی به‌عنوان پشتیبانی لجستیکی از عملیات مبارزه‌با دزدی دریایی به کار گرفته می‌شود. چین بزرگ‌ترین صادرکننده کالاست که بیشتر محموله‌ها را از طریق دریا صادر می‌کند. این کشور بیش از دو برابر آمریکا محموله صادر می‌کند و آمریکا پس از این کشور دومین صادرکننده بزرگ جهان است. از این رو بر امنیت خطوط دریایی خود تاکید دارد. از

اموریت‌های مشترک با دیگر کشورها در عملیات‌های گشت‌زنی در شمال و شرق آفریقا حضور یافته است. البته وجود پایگاه در «جیبوتی» به‌خود خود غیرعادی نیست، چرا که آمریکا، فرانسه، ایتالیا، ژاپن و اتحادیه اروپا همگی در این کشور پایگاه دارند. کشورهایی که با این اقدام مشکوک هستند و گمان می‌کنند اهداف دیگری پشت این اقدام است. اما حالا به‌نظر می‌رسد اجرای رزمایش با ایران نفعتهای این فرصت را به چین می‌دهد که ماموریت‌های خود را مطابق با برنامه‌های مقابل به بازسازی دریایی انجام دهد، بلکه توانایی‌های نظامی این کشور را در زمین‌های مثل منابع و کنترل خطوط انتقال انرژی که دارای منافع راهبردی است، به رخ بقیه می‌کشد. چین بزرگ‌ترین واردکننده نفت در جهان است و حدود ۵۰ درصد از نفت خود را از کشورهای غرب آسیا تأمین می‌کند. برای کشوری که دومین مصرف‌کننده بزرگ نفت در جهان است، منابع انرژی موجود در غرب آسیا جزء

از نیروی دریایی ارتش و یک فروند بالگرد نیز از نیروی دریایی سپاه به‌عنوان یگان‌های پروازی، بخشی از این رزمایش خواهند بود. ارتش روسیه اما یگان متفاوت‌تری را به این رزمایش فرستاده است، با ترکیبی شامل سه فروند شناور پیشرفته. فرماندهی این ناوگان با شناور Neustrashimyy-class frigate با نام این ناوگان Yarovslav خواهد بود و یک فروند پدک‌کش با نام Yevgeniy Khorov و یک فروند تانکر سوخت‌رسان با نام Yel'nya آن را همراهی خواهند کرد. ارتش چین که نام

محمد حسین ملانک، سفیر اسبق ایران در چین با اشاره به رزمایش مشترک سه‌جانبه ایران، چین و روسیه به «فرهیختگان» گفت: «برگزاری این رزمایش اقدام مهمی است و ایران در سطح بین‌الملل به‌ویژه در روابط استراتژیک با روسیه و چین جایگاه جدیدی پیدا می‌کند که قبلاً این جایگاه را نداشت.»

وی با بیان آنکه این رزمایش به نزدیک شدن جهت‌گیری‌ها و زوایای دید سه طرف در جزئیات نیز کمک شایان توجهی می‌کند، ادامه داد: «تحلیل این موضوع در مواجهه با ائتلاف دریایی آمریکا و فرانسه موضوعیت چندانی ندارد. به بیان دقیق‌تر، موقعیتی که فرانسوی‌ها و آمریکایی‌ها دارند دفاعی-تهاجمی است، یعنی می‌خواهند اگر کسی خواست به کشتی‌های حامل نفت آنها صدمه بزند به طرف مهاجم حمله کنند. این رزمایش اما موضوعی متفاوت است و یک هماهنگی بین‌المللی بین سه کشور است که اگرچه دو طرف آن پیش از این نزدیکی‌های خاصی را در حوزه‌های امنیتی تجربه کرده بودند، اما تاکنون سه کشور در منطقه خلیج فارس همکاری اینچنینی نداشته‌اند.»

ملانک ادامه داد: «این همکاری ممکن است به شکلی باشد که در زمان موعود احتمالاً حمایت‌هایی برای حمل نفت به خارج از منطقه صورت گیرد و امنیت انتقال نفت تأمین شود. این همکاری البته برای چین مفهوم است اما برای روسیه خیر، چون اساساً نفت مورد نیاز روسیه از اینجا تأمین نمی‌شود.»

این کارشناس مسائل بین‌الملل در خصوص احتمال تبدیل اتحادیه ناوشسته مورد اشاره خود به یک ائتلاف راهبردی گفت: «در حال حاضر صفحه اول شکل‌گیری این ائتلاف باز می‌شود. چنین فرصت‌هایی وجود دارد ولی بحث سر این است که چقدر روس‌ها ظرفیت با امکان و پتانسیل داشته باشند تا بتوانند در منطقه خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند کار کنند.»

وی ادامه داد: «روس‌ها این امکان را تنها از ما می‌توانند بگیرند و همه چیز بستگی به این دارد که ایران چقدر فضا را در این زمینه باز کند. اما چینی‌ها طبیعتاً برای خود فرصت‌هایی را ساخته‌اند و از آن بهره می‌برند. از بندر گوآدر پاکستان و قرارداد با عمانی‌ها گرفته تا قرارداد با جیبوتی و...»

ملانک یادآور شد: «اگر این امکان فراهم شود، هر مانور و حضور و رفت‌وآمد دریایی منوط به این است که اجازه دهید کشتی‌های آن کشور لنگر بگیرند و سوخت‌گیری کنند، لجستیک داشته باشند و... و اینها مجموعه ظرفیت‌ها و زیرساخت‌هایی است که باید برای تقویت مناسبات مورد اشاره، مورد توجه قرار گیرند.»

وی در توضیح چرایی علاقه‌مندی روسیه به حضور در منطقه و شرکت در چنین رزمایشی به‌رغم بی‌بهره بودن از منافع نفتی گفت: «روس‌ها قدرت بالنده هستند و عملاً تلاش می‌کنند در بسیاری از نقاط خلالهایی را که آمریکایی‌ها با آن مواجه شدند، پر کنند. مثلاً رابطه آنها با ترکیه و حضورشان در سوریه به همین شکل است. البته این استراتژی ۲۰ ساله آنها نبود، بلکه استراتژی‌ای است که روس‌ها ظرف چهار، پنج سال گذشته به آن رسیده‌اند و احساس کردند فضای کنونی می‌تواند فرصت مناسبی برای بیرون آمدن از لاک خود و تقویت همکاری‌های بین‌المللی باشد.»

ملانک خاطرنشان کرد: «روس‌ها هیچ ارتباط نفتی با هیچ یک از

میان کشورهای منطقه نخواهد توانست به صادرات نفت خود ادامه دهد، بنابراین این گذشته که ابتکار عمل را در دست گیرد و از هر مسیری که شده چه دیپلماتی و چه ائتلاف‌های نظامی، امنیت و منافع خود را تأمین کند.

روس‌ها البته منافع ثانویه‌ای دارند و اساساً سلسله‌اقداماتی را در پیش گرفته‌اند تا صف‌آرایی خود را در مقابل آمریکا که از سوریه شروع شده تا آب‌های خلیج فارس توسعه دهند و نگذارند که حوزه نفوذ آمریکایی‌ها به سمت شمال آب‌های خلیج فارس امتداد یابد. آنها پس از پیش بردن نظرات خود در غائله یمن، وارد مذاکراتی برای جایگزین کردن خود به جای آمریکا در معادلات منطقه شده‌اند و از این رو برگزاری یک رزمایش به این شکل را مسیری برای ایفای نقش و پررنگ شدن حضورشان می‌دانند.

در این میان بعد از مواجهه ایران با استنایامپرو و همچنین هدف قرار گرفتن چند کشتی سعودی در الفجیره و دو کشتی ژاپنی و اتریشی در دریای عمان، آمریکایی‌ها و بعد انگلیسی‌ها تلاش کردند با اتکا به حضور ناوگان پنجم دریایی خود در بحرین، ائتلافی را به بهانه تأمین امنیت خطوط دریایی در خلیج فارس و دریای عمان شکل دهند، ائتلافی که البته با وجود تلاش شبانه‌روزی واشنگتن و لندن نهایتاً به تشکیل یک گروه نصفه و نیمه با حضور این دو، به‌علاوه بحرین، عربستان و استرالیا ختم شد و به اذعان قریب‌به‌اتفاق کارشناسان امور نظامی و امنیتی دستاوردی برای آنها نداشت. در چنین وضعیتی اما برای عقب‌راندن کامل این ائتلاف نیم‌بند به رهبری آمریکا، تحت‌تأثیر قرار دادن حضور ناوگان پنجم دریایی این کشور در منطقه که ادعای حکمرانی برای خود دارد و نیز به‌منظور حفظ خطوط صادراتی نفت ایران که امروز تحت‌عنوان دور زدن تحریم از آن یاد می‌شود و نهایتاً جلوگیری از شکل‌گیری یک قطب قدرتمند در منطقه تدارک یک رزمایش نظامی در دستور کار سه‌ضلعی ایران، چین و روسیه قرار گرفت.

این رزمایش البته تا دید تحلیلگران سیاسی اقدامی میدانی در حمایت از طرح‌هایی است که این روزها برای ثبات سیاسی و امنیتی خلیج فارس و دریای عمان از سوی ایران و روسیه ارائه شده است. طرح صلح هرمز یا چیزی شبیه آن که این روزها رسانه‌های عربی از احتمال قوی در شکل‌گیری آن خبر می‌دهند، مانند خبری که روزنامه کویتی «القبس» منتشر کرد و گفت ایران، عربستان و کویت به‌زودی برای رسیدن به یک توافق دریایی مذاکره می‌کنند که حصول آن بعد از احیای توافق امنیتی تهران-ابوظبی، دومین توافق مهم میان همسایگان شمالی و جنوبی خلیج فارس و دریای عمان خواهد بود یا طرح روسی امنیت جمعی برای تشکیل یک سازمان امنیتی جدید در منطقه.

در این باره البته وب سایت آمریکایی دیلی بیست هم این اقدام را یک «دفاع پیشگیرانه» توصیف کرد و گفت امنیت ایران با این رزمایش واقدامات مشابه آن ارتقا خواهد یافت. این وسایط این اتفاق را صدور یک پیام مشترک به آمریکا می‌داند و ابراز می‌کند توازن قوا در منطقه به سود آمریکا تداوم نخواهد داشت.

واریک کارزار اقتصادی سنگین با ایالات متحده شدند و ایران نیز در اثر خروج ترامپ از برجام تحت شرایط متفاوتی قرار گرفت.

در این میان چینی‌ها که در جریان جنگ اقتصادی با آمریکا نیازمند حفظ جریان واردات انرژی خود هستند، امنیت خاورمیانه را یکی از اولویت‌های اصلی دانسته و نمی‌خواهند جریان انرژی پس از تحریم ایران در انحصار ائتلافی به فرماندهی آمریکایی‌ها قرار گیرد. از طرفی ایران نیز که قبلاً گفته بود اگر نتواند نفتی صادر کند، هیچ کشوری از

عملیات‌های دریایی خود در غرب آسیا را عملیات صلح و ممانعت از دزدی دریایی گذاشته است هم با یک فروند ناوشکن کلاس Type 52D به‌نام Xining در این رزمایش حاضر خواهد بود.

از سیاست تا امنیت و نهایتاً اقتصاد

بعد از حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید بسیاری از چالش‌های ایالات متحده با کشورهای جهان و به‌طور مشخص کشورهایی چون چین و ایران تشدید شد. چینی‌ها

سفیر اسبق ایران در اردن:

همکاری‌های ۳ جانبه باید به سایر حوزه‌ها تسری یابد



را تحت پوشش قرار دهد. این کارشناس مسائل غرب آسیا در توضیح علت علاقه‌مندی چین و روسیه به حضور در منطقه گفت: «توسعه چین به نفت این منطقه و بازار انرژی خلیج فارس و حوزه عملیاتی دریای عمان بستگی دارد. ایران در خلیج فارس صاحب نفت بوده و در تنگه هرمز صاحب نقطه‌نظر و اعمال حاکمیت است. روس‌ها نیز از منظر دسترسی برای ارتباطات انرژی چه سوآپ و چه قسمت‌های دیگری که اخیراً برای آن خیز برداشته‌اند، علاقه‌مند به حضور

در این ائتلاف هستند.» وی با بیان آنکه روس‌ها در حال حاضر کنش‌های خود را تا حد زیادی در پرتو اقدامات آمریکا تنظیم می‌کنند، اضافه کرد: «اساساً یکی از نقاط مشترک این سه کشور، گزیده‌شدن توسط ترامپ است و همین موضوع بخش قابل توجهی از زمینه‌ها را برای این کنار هم قرار گرفتن، فراهم آورده است.» سفیر اسبق ایران در اردن یادآور شد: «همان‌طور که آمریکا به‌دنبال بازگیری برای شکل دادن به یک ائتلاف دریایی است، در شرایط فعلی ایران، روسیه و چین هم به تأمین امنیت کشتیرانی خود و نقش‌آفرینی با استفاده از توانمندی‌هایشان فکر می‌کنند.»

تاجیک این اقدام را پاسخی به ائتلاف دریایی آمریکا و فرانسه ارزیابی کرد و گفت: «کشورها براساس منافع خود بلوک‌بندی‌های جدیدی را تعریف می‌کنند. وضع فعلی نیز تا حد زیادی محصول شرایطی است که در اثر زیاده‌خواهی آمریکایی‌ها و روندی که آنها در دنیا به وجود آورده‌اند، رقم خورده است.»

وی در توضیح آخرین وضعیت ائتلاف دریایی آمریکا و متحدانش نیز یادآور شد: «این ائتلاف آن‌طور که انتظار می‌رفت پیش نرفت. نهایتاً مجموعه‌ای را تحت‌عنوان گروه دیده‌بان‌ی در بحرین تشکیل دادند و به‌نظر نمی‌رسد که موضوع چندان جدی‌ای باشد و به‌رغم اینکه برخی کشورها برای پیوستن به این ائتلاف اعلام آمادگی کردند، ولی در حوزه میدانی اتفاق به‌خصوصی نیفتاد و تا این لحظه نیز بعید است قضیه به‌صورت جدی جلو رفته باشد.»

نصرت‌الله تاجیک، سفیر اسبق ایران در اردن در گفت‌وگو با «فرهیختگان» با اشاره به رزمایش مشترک ایران، چین و روسیه گفت: «چنین رزمایش‌هایی معمولاً وقتی به ثمر می‌نشیند که روابط کشورهای برگزارکننده به سطحی رسیده باشد که بتوانند هم از جهت عملیاتی و هم از جهت سیاسی هماهنگی‌های لازم را داشته باشند.»

وی افزود: «در حال حاضر به‌نظر می‌رسد سطح روابط ایران، چین و روسیه در سطحی است که طرف‌ها را برای انجام چنین عملیاتی مجاب کرده.»

تاجیک ادامه داد: «یک نکته بسیار مهم در این میان نقش آمریکا است. ما به دوران جدیدی از بلوک‌بندی‌ها رسیده‌ایم و آن بلوک‌بندی قبلی دوران جنگ سرد یعنی غرب و شرق، مفهوم خود را از دست داده است و کشورها براساس منافع‌ی که برای خود در حوزه امنیت ملی تعریف می‌کنند در کنار هم قرار می‌گیرند و در هر زمینه‌ای سعی دارند اقداماتی داشته باشند که سطح این روابط را بالا ببرند.»

این کارشناس مسائل منطقه تصریح کرد: «این اقدام در پی زیاده‌خواهی ترامپ و نقش تخریبی‌ای که در خلیج فارس ایفا کرده حائز اهمیت به‌نظر می‌رسد؛ نقشی که باعث شده چهره ژئوپلیتیکی منطقه تغییر یابد، اعتماد نسبی بین کشورها بالا برود و زمینه شکل‌گیری بلوک‌بندی‌های جدید میان کشورها را فراهم آورد.»

وی با بیان آنکه نوع عملیات و تهاجمی یا تدافعی بودن آن بسیار معنادار است و متخصصان و کارشناسان نظامی باید آن را تحلیل کنند، گفت: «به هر ترتیب کنار هم قرار گرفتن چین، روسیه و ایران که هرکدام دارای توانمندی‌هایی در حوزه نفوذ خود هستند -ایران در خلیج فارس، چین در آسیای جنوب‌شرقی و روسیه در اوراسیا- می‌تواند پیوندی بسار مهم تلقی شود و زمینه تعاملات تکنیکی طرف‌ها در آینده را فراهم آورد.»

تاجیک خاطرنشان کرد: «در حال حاضر بروز عملیاتی این همکاری رزمایش پیش‌رو است که صرفاً ناظر به جنبه نظامی آن است. ولی این همکاری‌ها می‌تواند در بخش‌های دیگر نیز بسط یابد و در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی نیز نمود یابد و مواردی چون فناوری و کشتیرانی، امنیت کشتیرانی، انرژی و...»